



با موافقت مقام معظم رهبری صورت گرفت

کناره‌گیری پرویز فتاح از هیئت امنای کمیته امداد

گروه سیاست: رهبر انقلاب با کناره‌گیری پرویز فتاح از عضویت در هیئت امنای کمیته امداد حضرت امام(ره) موافقت فرمودند. در نامه دفتر مقام معظم رهبری که در تاریخ سه‌ شهریور به امضای حجت‌الاسلام محمدی گلپایگانی...

صفحه ۳

شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰ ۱۹ محرم ۱۴۴۳ ۲۸ آگوست ۲۰۲۱

تترها

وزیر کشور جدید تصمیم می‌گیرد

ماجرای حکم‌زاکانی تن‌دادن به ضابطه یا رابطه؟!

صفحه ۲

سکاندار اقتصاد و بودجه حلقه دانشگاه امام صادق

صفحه ۵

مرگ‌بارترین روز کابل با ۱۲ انفجار تروریستی رقم خورد

عواقب خونین یک تصمیم عجولانه

صفحه ۸



احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

پیش‌بینی می‌کنم حضور رضایی در دولت زیاد نباشد

صفحه ۲

حرف اول

۲۰ توصیه به وزیر ارشاد

سیدرضا صالحی‌امیری



۱- کار فرهنگی یعنی: شناخت و فهم عمیق فرهنگ، برای این مهم، نیازمند یک گفت‌وگو فرهنگی تمام‌شمول هستیم.
۲- یعنی: وضعیت‌سنجی موجود و برنامه‌ریزی مستمر برای کاهش آسیب‌ها و افزایش فرصت‌ها)
۳- یعنی: نیازسنجی فرهنگی منطبق بر جنس، سن، قشر، ذائقه و...؛ تولید انبوه محتوا بدون نیازسنجی به مثابه تولید و عرضه کالا بدون متقاضی و مشتری است.

۴- یعنی: طراحی الگوی ارتقای مصرف فرهنگی در جامعه‌ای که سوخت‌فزا به فرهنگی داریم. برای ایجاد ذائقه فرهنگی، در اولین گام باید تنوع و تکثر تولید محتوا را به رسمیت بشناسیم.

۵- یعنی: تولید و بازتولید حداکثری محتوای فرهنگی متناسب با مخاطب و دسترسی آسان و ارزان به محصولات فرهنگی.

۶- یعنی: سرمایه‌گذاری حداکثری در حوزه صنایع فرهنگی (حلاق) با استراتژی «الگوی جایگزینی صنعت فرهنگ به‌جای صنعت نفت».

۷- یعنی: ارتقای سطح فرهنگ عمومی و سبک زندگی- تغییر فرهنگ عمومی نیازمند

گسترش باورها و پرهیز را باید‌هاست.

۸- یعنی: انسجام فرهنگی میان نهادهای فرهنگی به‌منظور حرکت هماهنگ اجزای

سیستم به سمت تعالی و توسعه فرهنگی.

۹- یعنی: استفاده حداکثری از ظرفیت تنبکبان فرهنگی با هدف اجماع‌سازی و افق‌سازی نسل جوان.

۱۰- یعنی: دمیمن روح معرفت، فضیلت، ایثار، همدلی، همدردی و وفاق در متن جامعه و پرهیز از برخورد‌های آمارانه و قیّم‌ماپانه (استراتژی کشتی به‌جای استراتژی رانشی).

۱۱- یعنی: ارتقای سرمایه فرهنگی، اجتماعی، دینی و جلب مشارکت و رضایت اصحاب فرهنگ و هنر در تمام سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها.

۱۲- یعنی: تولی‌گری به‌جای تصدی‌گری (تولی‌گری عبارت است از سیاست‌گذاری، بسترسازی و نظارت. تولی‌گری یعنی مداخله حداکثر در همه امور خرد و کلان حتی مداخله در حریم شخصی مردم).

ادامه در صفحه ۲

روزنامه

همه وعده‌های کابینه سیزدهم

رئییی از وزرا برای «عهدنامه مدیران دولت مردمی» امضا گرفت

گروه سیاست: ابراهیم رئیسی پنجشنبه اولین جلسه کابینه خود را تشکیل داد. او در اولین اقدام از وزرای خود عهد و امضا گرفت که به اصول و ارزش‌های ده‌گانه که ناظر به برنامه‌های دولت است، متعهد باشند. رئیسی همچنین تأکید کرد که شرایط کشور شایسته ملت بزرگ ایران نیست و حتما باید این شرایط تغییر کند. چهارشنبه ۱۸ وزیر از ۱۹ وزیر پیشنهادی او

مشروح گزارش را در صفحه ۳ بخوانید



گفتاری از یوسف اباذری درباره ابعاد جامعه‌شناختی و الهیاتی کرونا

آیا حق با فوکو بود؟

صفحه ۶

یادداشت

صعود طالبان و سقوط آزاد یک ملت

بررسی کنیم، نگاهی کوتاه به تعداد مهاجران (قریب صد هزار نفر در ۱۰ روز) و تعمقی در ترکیب آنها که عمدتا افراد جوان و میانسال، تحصیل‌کرده و غیربیشتن و فارسی‌زبان هستند، نگرانی‌های زیادی را در زمینه تحول در بافت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کنونی افغانستان دامن می‌زند که کمتر مرکز توجه صاحب‌نظران امور افغانستان قرار گرفته است. در دو دهه گذشته و در فرایند مداخله نظامی و کمک‌های بین‌المللی، باوجود تمامی مشکلات و بی‌عدالتی‌هایی که در افغانستان رخ داده است، شاهد تحول در سیستم آموزشی این کشور و آموزش صدها هزار کودک افغانستانی و ظهور نسلی در افغانستان هستیم که توانسته در این مدت و با وجود همه محدودیت‌ها، استعداد‌های خود را در زمینه‌های مختلف به نمایش بگذارد. این تحولات محدود به آموزش رسمی و تحصیلات علمی نبوده و نخبگان هنری و ورزشی بسیاری در بین آنان ظهور چشمگیر ملی و حتی جهانی از خود نشان داده‌اند. بورس‌های تحصیلی متعددی که از سوی کشورهای جهان برای جوانان افغان در ۲۰ سال گذشته فراهم شد، هزاران جوان افغانستانی را به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی جهان کشانده که برخی از آنان به کشور خود بازگشته‌اند. بسیاری از جوانان و به‌خصوص دختران افغانستان در دوران حضور نیروهای خارجی در این کشور در مؤسسات بین‌المللی و غیردولتی به کار و تحصیل پرداخته و بخش عظیمی از آنان قابلیت‌ها و توان چشمگیری به دست آورده‌اند که می‌توانند در امور فنی، اداری و تعلیماتی این کشور نقش مهمی در سازندگی افغانستان ایفا کنند. به اعتقاد نویسنده که خود بیش از هشت سال در فرایند بازسازی افغانستان نقش مؤثری داشته، سرمایه‌گذاری‌های سخت‌افزاری و عمدتا ناشیانه و بی‌نتیجه‌ای که جهان در دو دهه گذشته در حوزه نظامی، امنیتی، عمران و توسعه فیزیکی افغانستان انجام داده است، در مقایسه با اهمیت و ارزش جوانان تحصیل‌کرده و بااستعداد افغان بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. رقابت تنگاتنگ جوانان افغانستان به‌خصوص دختران در دو دهه گذشته به‌منظور دسترسی به تحصیلات عالی، هرچند بیشتر به شهرهای بزرگ افغانستان محدود می‌شد، اما همین روزنه محدود باعث شد طبقه متوسط شهری در این کشور ظهور نسل جدیدی را در شکل‌گیری بسیاری از تحولات شاهد باشد. هرچند نظام قومی حاکم بر معادلات اجتماعی و فساد گسترده سیستم اداری و سیاسی این کشور بسیاری از این جوانان را سرخورده و ناامید کرده بود، اما کم‌کم با عنوان یک نیروی فعال و مؤثر در بستر فرهنگی و اجتماعی این کشور رشد و ظهور یافتند.

ادامه در صفحه ۲



نگاهی به تفاوت‌های محمدجواد ظریف و حسین امیرعبداللّه‌مویان

دیپلماسی در میدان حل می‌شود؟

صفحه ۴

یادداشت

فقرزدایی از منظر عدالت ترمیمی

تدریجی گروه کثیری از شهروندان را نیز نتیجه وقوع شکل معینی از بزه دانست. در این میدان بزهکاران، دولت‌مردان بی‌اعتنا به عواقب اجرای سیاست‌های سنجیده و نیز گروه اندک برخوردار از مناسبات رانتی هستند که با سرعتی سرکبجه‌آور و فاصله میلیون تا میلیارد و اخیرا هزار میلیارد را طی کرده و به جره‌جرا صاحبان ثروت‌های افسانه‌ای پیوسته‌اند. در مقابل بزه‌دیدگان جمع کثیری از شهروندان هستند که در سایه اقدامات مشترک بزهکاران گرفتار فقر و فلاکت شده‌اند. بررسی مثالی از عالم واقع به روشن‌ترشدن موضوع کمک می‌کند. در اواخر دهه ۶۰ و با پایان دوران جنگ تحمیلی قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر به‌ویژه کارمندان دولت به دلیل شرایط تورمی به کمتر از یک‌پنجم سالان شروع جنگ رسیده بود. طبعاً دست‌اندرکاران باید تلاشی برای بهبود وضعیت حقوق‌بگیران می‌کردند. هرچند اقدامات جدی در مسیر افزایش حقوق کارکنان دولت انجام گرفت؛ اما بیشترین ابتکار و خلاقیت برای بهبود شرایط مالی مدیران به کار گرفته شد. به بیان دیگر گروه صاحب‌منصبان و عالی‌رتبان به جای حل مشکل کل کشور، زندانه به حل مشکل خود و وابستگانشان پرداختند. بدین‌گونه امتیازاتی مبلغ پارانه حسرت‌آمیزی اندک از کارکنان فراهم شد و به‌تدریج فاصله طبقاتی بین گروه مدیران با کارکنان عادی افزایش یافت. به گونه‌ای که در کنار فقر گسترده اکثریت کارکنان بخش دولتی، جمع محدودی از طریق دریافت حقوق و مزایای ظاهرا ناچیز موفق به کسب ثروت درخور توجه شده‌اند. در چنین شرایطی آیا نباید گسترش فقر حقوق‌بگیران را یک «بزه»، و صرف اجرای پروژه‌های عام‌المنفعه کند، اما با نگاهی عمیق‌تر بروز پدیده فقر و گسترش ابعاد آن را در جامعه می‌توان متأثر از رفتار گروه‌هایی از جامعه دانست. دولت‌مردان با اجرای برخی سیاست‌ها موجبات تشدید مناسبات رانتی را در اقتصاد کشور فراهم می‌آورند که نتیجه آن گسترش ابعاد فقر در جامعه و افزایش جمعیت زیر خط فقر است. همچنین برخی فعالان اقتصادی با رفتار خاص خود در میدان اقتصاد به تشدید فقر اقشار کم‌درآمد کمک می‌کنند. فرار مالیاتی، دریافت تسهیلات کلان رانتی، دریافت مجوزهای ویژه با امضای طلایی و... همه و همه دست در دست هم داده و موجبات فقیر و فقیرترشدن اقشار کم‌درآمد و طبقه متوسط را فراهم می‌آورند. به طوری که ملاحظه می‌شود، می‌توان گسترش فقر در جامعه و فقیرشدن

ادامه در صفحه ۵

نمایندگان ورهبران منطقه‌راهی عراق شدند

سرانجام نشست بغداد

گروه دیپلماسی: میز مذاکره منطقه‌ای آماده است. نمایندگان کشورهای منطقه راهی عراق شدند تا امروز درباره مسائل و مشکلات متعدد منطقه با یکدیگر گفت‌وگو و رایزنی کنند. ایران نیز در سطح وزیر خارجه در این نشست شرکت می‌کند...

صفحه ۴



سال هجدهم شماره ۴۰۸۱ ۱۲ صفحه ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

رئییی تنها می‌ماند؟

احمد غلامی . سردبیر



کابینه دولت سیزدهم، نه از گردنه صعب‌العبور مجلس بلکه از اتوبان بهارستان به پاستور رفت. در این‌میان دور از انتظار نبود که وزیر پیشنهادی آموزش‌وپرورش با اینکه تفاوتی جدی با دیگر وزرا نداشت، در ایستگاه پاستور از قطار کابینه جا بماند. این را هم به حساب بداقبالی حسین باغلی بگذارید که مجلس برای نمایش اقتدار خویش به او رای اعتماد نداد. در صورتی‌که در روزهای منتهی به رای‌گیری، وزیر ارشاد هم مانند او به یک میزان مورد انتقاد افکار عمومی و نخبگان سیاسی و فرهنگی قرار گرفته بود؛ اما نکته‌تامل‌برانگیز در این هنگامه، سخنان نمایندگان مخالف و موافق و سخنان وزرا در تشریح و دفاع از برنامه‌های‌شان بود. سخنانی فرازمانی و مکانی. این برنامه‌ها در هر زمان و هر مکان دیگر هم قابل طرح بود. به جرئت می‌توان گفت این سخنان می‌توانست اصولگرایان پراسابقه و نهادهای رسمی را به یک اندازه متعجب و برآشفته سازد. وزرای پیشنهادی پیش از اعلام برنامه‌های خود موضع‌گیری ایدئولوژیک کرده و نمایندگان مجلس هم در تأیید و نقد آنان، به نگویش و ستایش کردارها و گفتارهای ایدئولوژیکی آنان پرداختند. بعید است از سوی رئیس‌جمهور، نهادهای رسمی، نظامی و امنیتی، توصیه یا اراده‌ای برای ابراز این‌گونه موضع‌گیری‌ها صورت گرفته باشد؛ به‌ویژه آنکه آنان اینک با آگاهی از وضعیت حساس کشور بیش‌ازپیش نگران اوضاع‌اند. شاید ابراهیم رئیسی باور دارد وزرا زمانی که در موقعیت اجرایی و در مقابل مسائل واقعی کشور قرار بگیرند، ناگزیرند برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات چاره‌ای بیندیشند. اگر این باور محقق نشود، با صراحت باید گفت او رئیس‌جمهور تنهایی است در پاستور که باید دیگر حامیانش به یاری‌اش بشتانند؛ اما رای اعتماد به وزرای پیشنهادی بیش از کابینه، آزمونی که نمایندگان توانستند از آن سربلند بیرون بیایند. نمایندگان مجلس به‌ویژه مخالفان وزرای پیشنهادی، درصدد بودند چهره‌ای مستقل از خود نشان دهند؛ اما در نهایت تلاش آنان هم باورپذیر نبود. البته این به آن معنا نیست که اگر تعدادی از وزرای پیشنهادی رای اعتماد نمی‌گرفتند، در باور مردم نسبت به نمایندگان تغییری ایجاد می‌شد. نه اصلا. مسئله رای اعتماد یا عدم اعتماد به وزرای کابینه نیست. نمایندگان مجلس و وزرای پیشنهادی با درک مسائل مردم و بیش از هر چیز با «فرهنگ سیاسی» جامعه، فاصله معرفتی بعدی ندارند. عیان است که سخنان فرازمانی و مکانی آنان گواه این فاصله بود. فرهنگ سیاسی، یعنی باورها و هنجارها و ارزش‌های واقعی مردم و سیر تحول این باورها در طول زمان. نمایندگان مجلس و وزرای کابینه نشان دادند شناخت دقیقی از نگرش و جهت‌گیری‌های مردم نسبت به دولت، نخبگان و قدرت سیاسی ندارند. عیان است که آنان در این چهار دهه گذشته با آگاهی کاذب از امور دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و این تعبیر افلاطون، «حالت ذهن» را نادیده گرفته‌اند. حالت ذهن، واقعیت‌هایی است که گفتار و کردار سیاسی افراد را در مواجهه با مردم و نخبگان سیاسی شکل می‌دهد. به‌همین‌دلیل بعید است مجلس و دولت بتوانند رابطه جدیدی از دولت-ملت تعریف کنند. رابطه‌ای که در دو دهه گذشته آسیب فراوانی دیده است. البته این نگرانی هم وجود دارد که آنان اصلا باور ساختی به ایده دولت-ملت نداشته باشند؛ دولت-ملتی که براساس منافع ملی شکل می‌گیرد و به‌درد در دولت‌های گذشته، مورد توجه قرار گرفته است. دولت اصلاحات تا حدودی از این قاعده مستثنا است؛ چراکه شعار «ایران برای همه ایرانیان» را سرلوحه کار خود قرار داده بود. از دولت روحانی تاکنون رفته‌رفته مردم در معنای یک ملت دچار غیابی طولانی شدند. نه دولت مقتدری وجود داشت، نه مردمی پایه کار. اینک در هیچ جای دولت سیزدهم که با انتقاد از دولت روحانی روی کار آمده است، مردم نمود عینی ندارند. از مجلس انتظاری نبوده نیست؛ اما چرا اعضای کابینه هیچ‌یک سخنی از هویت ملی و مردم نگفتند. آن‌هم در دوره و زمانه‌ای که مردم سودای بازگشت به هویت ملی خویش داشتند و در سر می‌پروراندند و این سودا را به یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ سیاسی خود بدل کرده‌اند. این همان فاصله معرفتی است که بین نمایندگان، کابینه و مردم وجود دارد؛ یعنی کابینه برداشت دقیقی از جهت‌گیری‌های مردم نسبت به نهادهای و ساختارهای سیاسی و عملکردشان ندارد. مردم با نگرش آنان متفاوتی با دولت رویه‌رو می‌شود. اگر نگرش آنان «ادراکی» باشد، وضعیتنی مانند دولت اصلاحات را ناداعی می‌کند که دولت را براساس توانایی‌ها و اختیاراتش می‌سنجد و از آن انتظار دارد. اگر نگرش «حساسی» به دولت داشته باشد، دولت احمدی‌نژاد را ناداعی می‌کند.

ادامه در صفحه ۲